

صدور حکم به ابطال اجرائیه که بر مبنای سازش نامه صادر شده، تخلف است

«به علت شرایط باطل موجود در مباحثه نامه های طرفین و ابهام در سازشنامه تنظیمی آنان اجرائیه در خور ابطال بوده است» موجه تشخیص داده نشد. بنا به مراتب به آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی (حقوقی) تهران را به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت دو ماه محکوم می کند. رأی صادره قطعی است.

۲- دادنامه شماره ۶۱۷-۳۰/۷/۸۴ هیأت عالی تجدیدنظر انتظامی قضات، در رد تقاضای اعاده دادرسی:

■ **اهمال و مسامحه و بی دقتی در انجام وظیفه توسط قاضی و سپس اعلام اشتباه تخلف است.** خلاصه جریان پرونده:

ثالثاً - آقای رئیس دادگاه در رأی صادره مستمسک و دلایل قانونی را ذکر نکرده در صورتی که مشارالیه به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی و همچنین مقررات بند ۴ مصرح در ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی مکلف بوده دلایل و مستندات قانونی را که موجبات رأی صادره را فراهم کرده ذکر کند در صورتی که رأی صادره نه مبتنی بر دلایل موجه و نه مستند به مواد قانونی صادر شده است.

بنا به مراتب تخلف آقای... محرز و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات قابل تعقیب انتظامی است.

با نظریه فوق موافقت شده در نتیجه کیفرخواست شماره بالا از دادسرای انتظامی قضات صادر شده به استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، تقاضای مجازات انتظامی

۱- دادنامه شماره ۴۰-۱۲/۹/۸۴ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات:

■ **صدور حکم ابطال اجرائیه که بر مبنای سازشنامه صادر شده تخلف است.**

جریان امر: آقای... دادیار انتظامی در خصوص شکوای آقایان ق و ل از نحوه رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۰/۹۵۶ شعبه... دادگاه عمومی سابق تهران پس از مطالبه و ملاحظه پرونده امر ماحصل آنرا چنین گزارش کرده است: آقایان ق و ل دادخواستی به خواسته تنظیم سند رسمی و تحویل مبیع به طرفیت ل-م تقدیم داشته که به شعبه... دادگاه عمومی سابق ارجاع می شود، در جریان رسیدگی طرفین اختلاف خود را به صلح و سازش ختم کرده درخواست تنظیم گزارش اصلاحی کرده اند متعاقباً پس از صدور گزارش اصلاحی بر اساس توافق حاصله فی مابین خواهانها درخواست اجرای مفاد گزارش اصلاحی را کرده اند که دادگاه مبادرت به صدور اجرائیه کرده در جریان اجراء و کیل دعاوی آقای ل-م به موجب دادخواستی درخواست صدور دستور موقت دایر به توقیف عملیات اجرائی و ابطال اجرائیه و گزارش اصلاحی را کرده که آقای... رئیس شعبه سابق الذکر طی دادنامه ۸۹۹ دادگاه را فاع از رسیدگی دانسته و این قسمت از خواسته و کیل خواهان را مردود اعلام می کند لیکن در تاریخ ۱۲/۱۲/۸۱ قسمت دیگر خواسته و کیل آقای ل-م دایر بر ابطال اجرائیه را اجابت و به موجب دادنامه شماره... اجرائیه را باطل کرده که خانم... وکیل دعاوی ل و ق از دادنامه تجدیدنظر خواهی کرد پرونده به شعبه... دادگاه تجدیدنظر ارجاع و شعبه مرجوع الیه دادنامه تجدیدنظر خواسته را تأیید و تجدیدنظر خواهی را مردود اعلام می دارد. آقای دادیار در پایان گزارش چنین اظهار عقیده کرده اند:

اولاً: گزارش اصلاحی تنظیمی مورخ ۱۷/۱۲/۷۸ به موجب ماده ۶۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی حاکم بر قضیه و ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی اخیرالتصویب بین طرفین و وراثت و قائم مقام قانونی طرفین معتبر است.

ثانیاً: اجرائیه صادره نیز در راستا و بر اساس همان گزارش اصلاحی صادر شده چنانچه ابهامی در حین اجراء وجود داشته باشد دادگاه می بایست رفع ابهام کند در صورتی که آقای... حکم به ابطال اجرائیه را صادر کرده و این تصمیم در حالی اتخاذ گردیده که گزارش اصلاحی معتبر و به قوت خود باقی و پابرجاست به ویژه این که آقای... رئیس دادگاه خود گزارش اصلاحی را تنظیم و اجرائیه را نیز تأیید کرده در صورتی که اگر گزارش اصلاحی بر خلاف قانون می بود مشارالیه نمی بایست آنرا صورتجلسه و تنظیم و یا اجرائیه را امضاء و تأیید کند.



آقای... دادیار دادسرای انتظامی قضات با ملاحظه پرونده موضوع شکایت انتظامی آقای م-ع مطروحه در شعبه... دادگاه عمومی تهران با درج خلاصه ای از آن سرانجام اظهارنظر کرده اند که رئیس دادگاه با استمساک به دلایلی که به نفع خواهان و به ضرر خواننده بوده دعوی خواهان را مردود اعلام کرده و به همین لحاظ مستوجب تعقیب انتظامی است. پرونده برای اظهارنظر به آقای... معاون دادسرای انتظامی ارجاع و آقای... طی شرحی با انعکاس دقیق پرونده امر به عملکرد قاضی مشتکی عنه انتظامی به شرح زیر ایراد کرده است: خواهان به استناد سند عادی مورخه ۲۳/۲/۷۵ مبلغ خواسته را از خواننده مطالبه کرده است. در جلسه دادگاه خواننده بدون این که منکر مفاد مدرکیه خواهان شده باشد مدعی گردیده به موجب سند عادی مورخه ۲۷/۲/۷۵ با خواهان تسویه

قاضی مشتکی عنه گردیده است. پس از ابلاغ کیفرخواست از سوی قاضی مشتکی عنه موصوف لایحه دفاعیه ای واصل شده که هنگام شور قرائت می شود.

اینک شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون محترم دادسرای انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه مورد تقاضاست) و انجام مشاوره به شرح آتی رأی صادر می کند:

با توجه به مقررات ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی صدور حکم بر ابطال اجرائیه که بر مبنای سازش نامه صادر شده تخلف است و دفاع قاضی امر مبنی بر این که

حساب به او بدهکار نیست اما خواهان منکر امضاء خود ذیل سند ادعائی خوانده گردیده و آن را جعلی دانسته، از طرف دادگاه در دو مرحله هیأتی به منظور صحت یا عدم صحت ادعای خواهان کارشناس تعیین و کارشناس خط و امضاء ذیل سند مورد ادعای خوانده را متعلق به خواهان ندانسته و آن را تقلیدی و شبیه سازی تشخیص داده اند. در نتیجه ادعای خواهان از هر جهت مصون از تعرض مانده است.

التهای دادگاه بدوی به تصدی آقای... مرتکب اشتباه بین و عجیبی شده بدین توضیح: با وجود آن که تحقیقات انجام شده، از جمله نظریه های کارشناسی کلاً به نفع خواهان و مبتنی بر صحت ادعای او بوده اما دادگاه علی رغم مدلول به دست آمده که صحت ادعای خواهان را به اثبات می رساند، دعوی وی را رد کرده است که با تذکر وکیل خواهان اشتباه خود را پذیرفته و در مرحله تجدیدنظر حکم بدوی نقض و به حقیقت خواهان حکم صادر می شود. بنا به مراتب با نظر آقای... دایر بر تعقیب انتظامی آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران موافقت می شود. سرانجام با موافقت با نظریه فوق الاشعار به موجب کیفرخواست شماره ۴۵۴-۳۱/۶/۸۱ به استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات قاضی نامبرده گردیده است. پرونده به شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات ارجاع، شعبه مرجوع الیه کیفرخواست را به قاضی مشنکی عنه ابلاغ و پس از وصول لایحه دفاعیه به شرح زیر رأی صادر کرده است:

رأی دادگاه:

«همانگونه که قاضی مشنکی عنه انتظامی به شرح لایحه تقدیمی به دادگاه اذعان کرده است ایشان بدون توجه به مستندات و دلایل موجود در پرونده امر دعوی خواهان را رد کرده که در مرحله تجدیدنظر نقض گردیده است. بنا به مراتب با احراز تخلف آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران، وی را با انطباق عملش بر ماده ۱۴ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می کند» رأی صادره به محکوم علیه انتظامی ابلاغ، به موجب لایحه مورخه ۸۲/۱۱/۱۸ تقاضای اعاده دادرسی کرده است. متقاضی اعاده دادرسی در نامه خود اعلام کرده اینجانب پس از رسیدگی دقیق به پرونده مطروحه در شعبه بدوی در زمان تصمیم گیری نام خواهان و خوانده را اشتباه کرده و سریعاً پس از متوجه شدن نسبت به اشتباه خود سریعاً پرونده را با قبول اشتباه به دادگاه تجدیدنظر ارسال کرده و خواستار تصحیح آن شده و دادگاه تجدیدنظر نیز دادنامه را تصحیح کرده لیکن علی رغم این که شاکی انتظامی در پرونده فوق نداشتن شعبه... دادگاه انتظامی مرتکب اشتباه شده و اینجانب را متخلف دانسته و به کسر حقوق محکوم کرده است. آیا اعلام اشتباه در زمان حکومت قوانین سابق حق دادگاه بوده یا نبوده است و اگر این حق را دارا بوده و هیچ کس نیز متضرر نگردیده پس علت محکومیت بابت چیست؟

آیا باید اعلام اشتباه نمی کرد و حقی ضایع می گردید. چون این رأی را مبنی بر اشتباه دانسته خواستار اعاده دادرسی و نقض حکم هستم.

اینک هیأت تجدیدنظر انتظامی قضات در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش جریان امر و لایحه متقاضی اعاده دادرسی، مشاوره کرده چنین رأی می دهد.

رأی:

اولاً متقاضی اعاده دادرسی در تقاضای خود نوشته پرونده فاقد شاکی انتظامی است و حال آنکه حسب مفاد کیفرخواست دادسرا آقای م-ع شاکی انتظامی است. ثانیاً آقای... اعلام کرده صرفاً اسم خواهان و خوانده را اشتباه کرده و بلافاصله اعلام اشتباه کرده است و حال آن که با مطالعه کیفرخواست در موارد دیگر نیز اهمال مشارالیه در انجام وظیفه محوله احراز می گردد. ثالثاً اعلام داشته اعلام اشتباه توسط قاضی صادر کننده رأی حسب قوانین حاکم در زمان صدور حکم یکی از حقوق وی بوده و با استفاده از آن مع الوصف متخلف شناخته شده است. در پاسخ باید گفته شود آری قاضی صادرکننده حکم چنین حقی داشته اما باید توجه داشت که آن در موقعی است که قاضی در استنباط و صدور حکم اشتباه کرده و پس از صدور حکم متوجه اشتباه خود گردد؛ نه این که در اثر اهمال و مسامحه و بی دقتی در انجام وظیفه با اشتباه کردن خواهان و خوانده دعوی، حکم صادر کند و لذا با اعلام این که قضات دادگاه عالی انتظامی در صدور رأی مرتکب اشتباه نشده اند به رد تقاضای متقاضی اظهار نظر می گردد.

۳- دادنامه شماره ۳۹۰ تا ۳۸۵ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات:

■ تعیین مجازات برای متهم صادرکننده چک بلامحل و تعیین مجازات دیگر برای وی در همان دادنامه به خاطر تلف کردن چک مذکور تخلف انتظامی محسوب نمی شود و...

گردش کار: دادستان سابق انتظامی قضات طبق کیفرخواست های شماره... صادره در پرونده کلاسه... انتظامی بر اساس نظریه آقای... دادیار که به تأیید آقایان... و... معاونان آن دادسرا رسیده آقایان ۱-... قائم مقام سابق... ۲-... مستشار شعبه... دادگاه تجدیدنظر تهران ۳-... مستشار شعبه مرقوم ۴-... دادیار اجرای احکام مجتمع... ۵-... سرپرست وقت اجرای احکام مدنی مجتمع قضایی... بعلت امتناع از اجرای کامل اجرائیه ۶-... رئیس وقت شعبه... دادگاه عمومی تهران را به شرح کیفرخواست های صادره متخلف اعلام و به استناد ماده های ۱۴ و ۲۰ نظامنامه حسب مورد مجازات انتظامی آنان را تقاضا کرده است.

آقای... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان دادرسی چنین اظهار نظر کرده است: ۱- در خصوص شکایت انتظامی خانم ن-م از نحوه رسیدگی رئیس شعبه... دادگاه عمومی سابق تهران، دادنامه

شماره... شعبه مزبور از حیث محکومیت مشارالیها به مجازات جرم چک بلامحل به نظر موافق با موازین قانونی بوده و تخلفی متوجه قاضی شعبه نیست ولی چون دادگاه طبق همان دادنامه متهمه را علاوه بر مجازات جرم چک مستنداً به ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی به اتهام تلف سند تجاری (چک) به دو میلیون ریال جریمه نقدی بدل از حبس محکوم کرده که بر خلاف قانون است زیرا: با توجه به صراحت ماده مرقوم «هر کس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجاری و غیر دولتی را که اتلاف آن ها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» و طبق مدلول آن رکن اصلی تحقق بزه، ضرر غیر ناشی از اتلاف سند تجاری است حال آنکه اصولاً به علت اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک و شکایت دارنده آن و تعقیب متهمه و کافی بودن دلایل که ملاً منجر به محکومیت حبس و جزای نقدی مقرر و ضرر و زیان علیه وی شده، بحث ضرر صاحب سند منتفی است یعنی به فرض تلف سند در این مرحله به لحاظ بی اثر بودن آن نمی توان عمل متهمه را از مصادیق آن ماده تلقی کرد پس صدور حکم به محکومیت وی از این جهت تخلف است.

۲- به تبع نظر اخیر چون آقایان... و... مستشاران شعبه... دادگاه تجدیدنظر تهران به رغم ایراد مذکور بدون دقت، دادنامه بدوی را تأیید کرده اند مرتکب مسامحه شده اند.

۳- دادنامه شماره... صادره از شعبه... دیوان عالی کشور متضمن رد اعاده دادرسی محکوم علیها با توجه به این که به علت عدم تناسب مجازات، با جرم صحیح نیست و با در نظر گرفتن استدلال معموله در دادنامه به نظر محمول بر نظر قضایی بوده و به منع تعقیب آقایان... رئیس وقت... و مستشار شعبه مزبور عقیده دارم.

۴- عمل آقایان... عضو معاون... و مستشار شعبه... دیوان عالی کشور از حیث صدور دادنامه شماره... مبتنی بر رد درخواست اعمال ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری (تقاضا شده از سوی قوه قضاییه) با التفات به استناد و استدلال به عمل آمده در دادنامه و غیر مدلل و ناصواب بودن استدلال و نظریه آقای... قائم مقام سابق... در درخواست مزبور و ماده ۲ قانون اختیارات رئیس قوه قضاییه ناشی از استنباط قضایی قضات ذریعاً بوده و تخلف به نظر نمی رسد.

۵- در خصوص شکایت آقایان سید ا-م و ف-ح واصله از دفتر مقام معظم رهبری و دفتر دادستانی کل کشور، نظر به این که مدرک یا دلیلی مبنی بر دخالت آقای... سرپرست مجتمع قضایی... در پرونده امر ارائه نشده به منع تعقیب انتظامی وی معتقدم.

اما در باره عملکرد آقای... قائم مقام وقت اعلام می دارد که هیچ گونه دلیل یا مدرکی که نشان گر آزادی متهم از کلاتریتی یا زندان بنا به دستور قاضی نامبرده باشد در پرونده نیست. از لحاظ اظهار نظر به شرح گزارش شماره ۶۸/۵۲/۸۲-د-۸۲/۸/۲۹ که

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لوابیح دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات در اجرای ماده ۴۱ قانون اصول تشکیلات دادگستری مبنی بر (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قضات مشتکی عنهم مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می کند:

رأی دادگاه:

۱- همان گونه که در نظر معاون اول دادسرای انتظامی قضات اشعار گردیده صدور رأی بر محکومیت متهمه در دادگاه بدوی به مجازات مقرر در ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی بابت بزه اتلاف چک مورد شکایت و تأیید رأی مرقوم در دادگاه تجدیدنظر تخلف نیست لذا ضمن رد کیفرخواست های انتظامی شماره ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ و ۱۰۴۹ - ۱۰۴۸/۱۱/۸۳ رأی بر برائت آقایان ... و ... مستشاران شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران ... رئیس وقت شعبه ... دادگاه عمومی تهران صادر و اعلام می کند.



۲- توقف اجرای رأی قطعی بدون اعمال مقررات قانونی در این زمینه از سوی قاضی اجرای احکام کیفری و عدم اجرای کامل اجرائیه صادره از سوی قاضی اجرای احکام مدنی به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست های صادره تخلف است لذا هر یک از آقایان ... دادیار اجرای احکام مجتمع ... و ... سرپرست وقت اجرای احکام مدنی مجتمع قضایی ... را به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت چهار ماه محکوم می کند. این رأی قطعی است.

۳- در خصوص کیفرخواست انتظامی شماره ۱۰۴۴ - ۸۳/۱۱/۲۸ صادره علیه آقای ... قائم مقام وقت ... با توجه به استرداد از شعبه اول توسط دادستان وقت انتظامی قضات، این دادگاه مواجه با تکلیفی نیست. النهایه ارشاداً اعلام می کند: با عنایت به

آقای ... معاون اول دادسرای انتظامی اظهارنظر کرده که با بند ۱ و ۲ نظریه فوق موافق نیستم زیرا اولاً اتلاف چک توسط متهمه عنایتاً به ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی توجیه قانونی نداشته ثانیاً اقدام متهمه قبل از صورت حکم صدور گرفته و وجود چک در ید دارنده آن نقش موثری داشته و از بین بردن آن از مصادیق بارز اتلاف و ضرر است.

ثالثاً حداقل اقدام قاضی صادر کننده رأی و قضات تجدیدنظر در تأیید آن محمول بر نظر قضایی است در سایر موارد با نظر دادیار موافقم.

مجدداً با اظهار نظر معاون دیگر و موافقت با نظر دادیار توسط ایشان و دادستان انتظامی کیفرخواست های مورد اشاره صادر گردیده است. پرونده انتظامی بدو در شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات به جریان افتاده و سپس به این شعبه ارجاع گردیده و در شعبه اول کیفرخواست صادره علیه آقای ... قائم مقام وقت ... با توجه به استرداد آن توسط آقای ... دادستان وقت انتظامی قضات به

نامبرده ابلاغ نشده و از سوی سایر قضات ذی مدخل با رویت کیفرخواست های انتظامی لوابیح دفاعیه واصله شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید. در پرونده ملاحظه می شود آقای ... در تاریخ ۸۴/۱/۲۱ شرحی به رئیس قوه قضاییه نوشته.

متعاقباً دادستان وقت انتظامی عنوان ریاست شعبه اول دادگاه انتظامی چنین نوشته است «ریاست محترم شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات با ابلاغ سلام و تحیت: پیرو نامه شماره ۲۳۹۱۳-۹۲/۱۲/۸۳ و نیز پیرو کیفرخواست شماره ۱۰۴۴-۸۳/۱۱/۲۸ با توجه به بررسی های مجددی که از پرونده انتظامی کلاسه ۸۳/۹۶/۴۷۵۶ این دادسرا به عمل آمد نظر به این که دلایل قوی و کامل که حکایت از ارتکاب تخلف انتظامی از ناحیه آقای ... قائم مقام سابق ... داشته باشد احراز نگردیده فلذا کیفرخواست صادره درباره قاضی نامبرده استرداد می گردد. ...»

پیشنهاد معنونه در نظریه، مورد موافقت ریاست قوه قضاییه قرار گرفته با توجه به تقدم تاریخ واقعی چک بر تاریخ مندرج در آن و فقد جنبه کیفری آن (در زمان تهیه گزارش مزبور از ناحیه آقای ... قائم مقام سابق ... در قانون صدور چک مصوب ۸۲/۶/۲ با در نظر گرفتن بند ۱ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی که اقتضای موقوف شدن اجرای محکومیت به جرم چک بی محل را داشته به نظر مطابق با موازین قانونی است ولی چون دادنامه شماره ... صادره از شعبه ... دادگاه عمومی تهران که در تاریخ ۸۱/۲/۹ به تأیید شعبه ... دادگاه تجدیدنظر تهران رسیده و این که محکومیت متهم از لحاظ بزه چک بی محل موافق با قانون بوده از طرفی تقاضای اعاده دادرسی محکوم علیه و تقاضای اعمال ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری در شعبه ... دیوان عالی کشور مردود شناخته شده و اصولاً آراء قطعی تا زمانی که از ناحیه مرجع قضایی صالح نقض نگردد لازم الاجراست. بنابراین عدم انعکاس واقعیت امر موضوع محکومیت خانم ن-م به جرمه نقدی بابت تلف سند در نظریه و امتناع از اظهارنظر در این خصوص و ارائه پیشنهاد موقوفی اجرا نسبت به کل مفاد دادنامه قطعی و همچنین قبل از آن و بعد از قطعیت رأی، صدور دادنامه شماره ... به مجتمع قضایی ... و امضای آن به عنوان مدیر کل ... مبنی بر توقف اجرای حکم و ... (گر چه مستند به دستور رئیس قوه شده ولی دستور ایشان و حتی نامه مزبور در پرونده محلی وجود ندارد. ولی تصویر آن توسط شاکای ارائه شده) موقعیت قانونی نداشته و تخلف است و با توجه به قراین موجود در پرونده محلی ادعای شکات انتظامی دایر بر موضع گیری ایشان له متهمه مقرون به واقع است.

۶- آقای ... دادیار اجرای احکام کیفری ... که بدون کسب ارشاد از دادگاه صادر کننده رأی بدوی و یا اعلام اشتباه نسبت به دادنامه صادره و به رغم قطعیت دادنامه به طور کلی دستور داده اقدامات اجرایی متوقف گردد همچنین آقای ... سرپرست اجرای احکام مدنی مجتمع ... که از اجرای کامل اجرائیه صادره به شماره علیه محکوم علیه و له شاکای امتناع ورزیده و این قصور در حالی صورت گرفته که دادگاه صادر کننده حکم با اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی درباره محکوم علیه موافقت کرده است (پرداخت سه میلیون و سیصد و پنجاه هزار ریال هزینه دادرسی خسارت تأخیر تأدیه و حق الوکاله و غیره بلا اجرا باقی مانده) حتی از دادگاه صادر کننده دادنامه و اجرائیه کسب تکلیف نکرده و پرونده اجرایی مزبور را مسکوت گذارده است هر دو مرتکب تخلف تخلف شده اند.

بنابراین به تعقیب انتظامی آقایان ... رئیس سابق شعبه ... دادگاه عمومی و ... سرپرست وقت اجرای احکام مدنی مجتمع ... و ... دادیار اجرای احکام کیفری مجتمع قضایی ... و ... مستشاران شعبه ... دادگاه تجدیدنظر تهران و ... قائم مقام سابق ... حسب مورد مستنداً به ماده ۱۴ و ماده ۲۰ نظامنامه عقیده دارم.

مقررات ماده ۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب اسفند ۱۳۳۳ دادستان انتظامی قاضی قضاوت در عدول از نظر خود مبنی بر تعقیب انتظامی قاضی امر نمی تواند نظریه دادیار انتظامی دایر بر وقوع تخلف انتظامی را نیز نادیده بگیرد با این ترتیب اقتضا دارد پرونده راجع به مورد در اجرای مقررات فوق الاشعار به نظر دادیار انتظامی مرجوع الیه برسد تا در صورت حدوث اختلاف نظر، مطابق آن اقدام گردد.

دادنامه شماره ۳۷۳ تا ۳۶۹ - ۸۴/۸/۲۵ شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات .

راکماندن پرونده انتظامی بیش از دو سال و صدور قرار موقوفی تعقیب انتظامی به لحاظ شمول مرور زمان؛

گردشکار: معاون اول دادرسی انتظامی قضات به موجب کیفرخواستهای شماره ۲۰ تا ۱۶ - ۸۴/۱/۱۶ صادره در پرونده کلاسه ۸۰/۲۷/۱۳۱۰ انتظامی

کفالت قرار نداده و قبولی کفالت را به امضای کفیل نرسانده و زیر یکی از قبولی کفالت ها را امضاء نکرده است لذا از مقررات مواد ۱۲۵ و ۱۳۰ و ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری حاکم در زمان قضیه) تخلف کرده است .

۲- نظر به این که آقای . . . دادرسی دیگر در تفهیم اتهام، دلایل را به متهم تفهیم نکرده و به صرف شکایت شاکی اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی را محرز دانسته و نوع اتهام را که ایراد صدمه عمدی منتهی به شکستگی استخوان ساعد دست چپ بوده، ایراد ضرب و جرح تلقی کرده و نتیجتاً مفاد ماده ۱۲۵ مرقوم را مراعات نکرده مرتکب تخلف شده است .

۳- چون آقای . . . دادرسی دیگر اتهام متهم را به این اسنادها: شکایت شاکی، تحقیقات انجام شده و گواهی های پزشکی قانونی و دفاعیات غیر موجه متهم محرز دانسته مرتکب تخلف از اصل ۱۶۶ قانون اساسی و ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب شده زیرا اولاً: شکایت شاکی دلیل محسوب



نمی شود بلکه ادعاست ثانیاً اسناد به تحقیقات انجام شده مشخص نیست منظور چه بوده (تحقیق محلی دلیل اثباتی تلقی نمی شود اگر منظور شهادت شهود در دادگاه باشد چون خانم «ی» به عنوان شاهد در دادگاه اعلام داشته ایراد صدمه را شخصاً ندیده و از شاکی شنیده است . همچنین خانم ز-ش شهادت داده که دعوا را ندیده بلکه از شاکی شنیده و از بین شهود فقط «م» شهادت به ایراد صدمه عمدی توسط متهم نسبت به شاکی داده بنابراین شهادت دو شاهد اول قابل اعتبار نیست و صرف شهادت شاهد واحد کافی نیست و نیز چون دادرسی بدون در نظر گرفتن مقررات راجع به لوٹ و قسامه موضوع مواد ۲۴۱ و ۲۵۴ قانون مجازات اسلامی حکم صادر کرده مرتکب تخلف شده از طرفی به اعتبار این که بدون اعمال مقررات مواد ۴۲۲ و ۴۱۸ و ۳۰۱ قانون مرقوم و رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹- ۸۴/۸/۶ دیوان عالی کشور مبادرت به تعیین دیه وارث

بر اساس نظریه آقای . . . دادیار که به تأیید آقای . . . معاون آن دادرسی رسیده، آقایان ۱-ع-ب قاضی اجرای احکام . . . ۲-ج-ب قاضی اجرای احکام . . . ۳-سیدح-ق قاضی اجرای احکام . . . ۴-س-د دادرسی دادگستری . . . ۵-ص دادرسی دادگستری . . . را در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۹۶/۷۹/ج متخلف اعلام و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه مجازات انتظامی آنان را تقاضا کرده است . آقای . . . دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهار نظر کرده است: ۱- نظر به این که آقای . . . دادرسی در تاریخ ۷۸/۳/۱۳ دلایل اتهام را به متهمه خانم م-م تفهیم نکرده و اتهام ایراد صدمه عمدی منتهی به شکستگی استخوان ساعد دست چپ را ایراد ضرب عمدی تلقی کرده همچنین برای متهم با وصف اتهام یاد شده قرار کفالت به مبلغ یک میلیون ریال صادر که با نرخ بزه انتسابی تناسبی نداشته و در قبولی

نادرست کرده و مهلت پرداخت دیه را (موضوع بند الف ماده ۳۰۲) و نوع دیه پرداختی مواد ۲۹۷ و ۴۹۶ همین قانون را نادیده گرفته مرتکب تخلف شده است ولی چون به لحاظ سلب صلاحیت باز خرید شده است لذا به موقوفی تعقیب وی اظهار نظر می شود .

۴- آقای . . . قاضی اجرای احکام چون در تاریخ ۸۰/۱۰/۲۶ محکوم علیها را جهت اجرای حکم بدون احضار جلب کرده و نیز در تاریخ ۸۰/۲/۲۶ بدون رعایت ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی به محکوم علیها جهت پرداخت دیه مهلت داده مرتکب تخلف شده است زیرا اولاً محکوم علیها دارای قرار تأمین کفیل بوده و مجری حکم ابتدا می بایست نسبت به احضار اقدام و با عدم حضور او از طریق کفیل اقدام می نمود نهایتاً اگر کفیل قادر به معرفی نبوده جلب می کرد . ثانیاً اعطای مهلت پرداخت دیه از اختیار دادگاه بوده نه قاضی مجری حکم مضافاً اینکه اعطای مهلت فقط در صدمات شبه عمد اعمال می شود .

۵- آقای «پ» و آقای «ب» دو قاضی دیگر اجرای احکام نیز بدون رعایت موازین قانونی محکوم علیها را جهت اجرای حکم جلب کرده اند مضافاً اینکه آقای «ب» بدون رعایت ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری پرونده اجرایی را به لحاظ اجرای حکم بایگانی کرده در حالی که می بایست به لحاظ گذشت محکوم لها قرار موقوفی اجرا صادر می کرد .

۶- راجع به قضات دیگر از جمله آقایان . . . و . . . دادرسان . . . و . . . معاون قضایی و . . . دادرسی . . . و مستشار تجدیدنظر استان . . . به لحاظ عدم احراز تخلف به منع تعقیب اظهار نظر می نماید . پس از ابلاغ کیفرخواست ها، لوائح دفاعیه قضات امر واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید . اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لوائح دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات در اجرای ماده ۴۱ قانون اصول تشکیلات دادگستری مبنی بر: (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قضات مشتکی عنهم مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می کند:

رأی دادگاه:
با عنایت به این که پس از وصول نامه شماره ۲۴۰۷- ۸۱/۳/۱۹ دادگستری . . . و ثبت آن به شماره ۹۷۱۵- ۸۱/۴/۵ در دادرسی انتظامی قضات، پرونده انتظامی تا تاریخ ۸۳/۹/۲۵ (بیش از دو سال) راکد مانده و در این زمان توسط بایگان کشف و بنظر دادیار انتظامی رسیده است، موضوع مطابق ماده ۳۱ قانون استخدام قضات مصوب ۱۳۰۶ مشمول مرور زمان گردیده است .
بنا به مراتب موجبی برای تعقیب انتظامی آقایان ۱- ع-ب ۲-ج-ب ۳-سیدح-ق قضات اجرای احکام ۴-س-د ۵-ا-ص دادرسان دادگستری . . . و صدور کیفرخواستهای انتظامی شماره ۲۰ تا ۱۶ - ۸۴/۱/۱۶ وجود نداشته فلذا قرار موقوفی تعقیب انتظامی نامبردگان صادر و اعلام می کند .